

تحلیل محتوای سایت طراحی به وسیله عکاسی سریع توسط دانشجویان (قیاس تطبیقی ایران و ترکیه)

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۷
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۲۵

محسن فیضی* - علی اسدپور**

چکیده

در برنامه آموزشی دروس معماری کشور کمتر توجه‌ای به بسترهای اجتماعی- فرهنگی در فرآیند تحلیل سایت می‌شود. عکاسی از روش‌های کارآمد ارتباطی است که دانشجویان را قادر می‌سازد، آگاهی‌های اجتماعی خود را از محیط شهری بیان نمایند. اما تاکنون از این ابزار بیشتر به عنوان نوعی وسیله توصیفی در معماری استفاده شده است. پیشنهاد این نوشتار این است که عکاسی به صورت کامل‌تری می‌تواند در تحلیل سایت طراحی به وسیله فرآیندهای تفسیری و «خواندن» تصاویر و به مثابه فرآیند «تفسیر و استخراج» مورد استفاده قرار گیرد. روش پژوهش مورد استفاده در این نوشتار از نوع پژوهش کیفی در رویکردی استنتاجی است که با پیمایش اجتماعی و مورد پژوهی نیز تلفیق شده است. این تحقیق ضمن ارائه روش‌شناسی پژوهش بصری به عنوان راهبرد شناخته شده در مطالعات اجتماعی، امکان استفاده از عکاسی به مثابه نوعی تحقیق بصری را جهت ارتقای شناخت و فهم بهتر محتوای بستر طراحی ممکن ساخته است. روش پیشنهادی در عمل در میان جمعی از دانشجویان ایرانی مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج آن مورد تحلیل و قیاس تطبیقی با نمونه مشابه آن در ترکیه واقع شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان دادند که از نظر محتوایی دانشجویان ایرانی برخلاف دانشجویان ترکیه توجه کمتری به رفتار مردم، نوع زندگی و علائم شهری دارند و در عوض به سنت، بافت‌های قدیمی و گذشته عکس‌العمل‌های بیشتری نشان می‌دهند و از نظر مفهومی نوع تفاسیر دانشجویان ترکیه، انتقادی است. در حالی که دانشجویان ایرانی کمتر دارای دیدگاه و نقطه‌نظر انتقادی حاصل از بینش فردی خود هستند و نگاه آنان اغلب توصیفی است. به بیان دیگر دانشجویان ایرانی به کالبد بیشتر از محتوای اجتماعی توجه می‌نمایند که می‌تواند تحت تأثیر «قیود آموزشی- دانشگاهی» و «قیود ارزشی- فرهنگی» جامعه باشد. با این حال دانشجویان با استفاده از این روش می‌توانند با موضوعات اجتماعی و عمومی‌تر سایت آشنا و درگیر شده و بدین ترتیب جنبه‌های غیر ملموس بستر نیز مورد توجه بیشتری قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: تحلیل سایت، پژوهش بصری، عکاسی سریع، منظر شهری، ویژگی‌های اجتماعی.

مقدمه

هرچند جریان‌های انتقادی معماری از دهه هفتاد میلادی به این سو سعی در توجه به بستر طراحی دارند، اما این موضوع در ایران حداکثر در قالب توجه به الزامات اقلیمی و شرایط طبیعی زمین در فرآیند تحلیل سایت طراحی باقی مانده است. در حال حاضر آموزش طراحی معماری در ایران، بیشتر بر مبنای سعی و خطا و یا آزمایش و بازخورد راهبردهای پیشنهادی دانشجویان صورت می‌پذیرد (Khakzand et al., 2010) و در برنامه‌های درسی کمتر توجه‌ای به بسترهای اجتماعی- فرهنگی بستر شکل‌گیری طرح دیده می‌شود. یکی از دلایل این امر فقدان داده‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی کافی است و علت دیگر عدم آگاهی و استفاده مناسب از روش‌های پژوهش محیطی می‌باشد. به‌طور کلی چالش یاد شده ناشی از عدم فهم همه جانبه مساله طراحی است که در صورت وجود، رویکردی مناسب به منظور آغاز طراحی به طراح ارائه می‌نماید (Daneshgar Moghadam, 2010). رویکرد مسأله‌محور به طراحی، معماری را نوعی فعالیت عمومی‌تر می‌بیند که امکان توجه همزمان به حوزه‌های گوناگون همچون نظام‌های محیطی، طراحی شهری و رفتارهای انسانی را میسر می‌دارد (MacGinty, 1979). اما در آتلیه‌های آموزش معماری در ایران به نقش پژوهش کمتر توجهی می‌شود و حتی در روش‌های آموزشی نیز پژوهش معماری به مثابه نیاز جدید معماری مورد التفات قرار نمی‌گیرد (Shahidi et al., 2009). این امر اهمیت موضوع شناخت را مورد تأکید قرار می‌دهد که اساس آن فعالیت‌های تحلیلی است و هدف آن فهم بهتر وضع موجود می‌باشد (Lang, 2005).

در این نوشتار به بررسی نقش عکاسی به مثابه ابزاری جهت تحلیل محتوای سایت طراحی در راستای شناخت بهتر بستر طرح پرداخته شده است. عکاسی، سال‌ها به عنوان یکی از ابزارهای توصیفی در معماری به کار آمده است. اما به طور خاص، عکاسی به مثابه یک روش، ظرفیت فراوانی جهت بیان فهم دانشجویان از محتوای محیط مصنوع و سایت طراحی دارد. با این حال اغلب اوقات به جای این که مشوقی جهت تفسیر انتقادی موضوعات اجتماعی باشد، به عنوان گونه‌ای از مستندات جهت ثبت تصویری ویژگی‌های مادی محیط مصنوع شناخته می‌شود (Tok et al., 2010). عکاسی از روش‌های کارآمد ارتباطی در آموزش معماری است که دانشجویان را قادر می‌سازد آگاهی‌های اجتماعی خود را از محیط شهری بیان نمایند. در این مفهوم آگاهی اجتماعی، شامل درک ابعاد اجتماعی، رفتاری و احساسی مرتبط با عکس و فضایی است که عکس بیانگر آن است (Tok et al., 2010). این پژوهش به بررسی ظرفیت‌های موجود در عکس جهت درگیر نمودن دانشجویان معماری به نگاه کردن، دیدن و شناختن ویژگی‌های اجتماعی نهفته در تصاویر می‌پردازد و می‌کوشد تا روش‌شناسی مناسبی از فرآیند انجام پژوهش بصری با تأکید بر استفاده از ابزار عکاسی ارائه نماید که قادر خواهد کیفیت برنامه‌های آموزشی معماری در کشور را ارتقاء بخشد.

۱. روش تحقیق

در این تحقیق از راهبرد کیفی در رویکردی استنتاجی استفاده شده و داده‌های بخش دوم مقاله نیز به روش پیمایشی گردآوری و با استفاده از راهبرد مورد پژوهی در نمونه ایران و ترکیه مورد تدقیق قرار گرفته است. در گام نخست، مبانی نظری لازم، تجارب و پژوهش‌های موجود، ارائه شده است. در گام دوم، روش‌شناسی استفاده از عکس به عنوان نوعی پژوهش بصری به‌طور کلان بررسی شده و روش مطلوب استفاده از عکس در فرآیند تحلیل سایت انتخاب شده است. در گام آخر، پرسشنامه‌ای با سوالات باز طراحی شده و بین دانشجویان معماری ایرانی توزیع و با نمونه آن در ترکیه مقایسه تطبیقی شده است. محتوا و شیوه انجام این کار در بخش‌های مربوطه به تفصیل آورده شده و نتایج حاصل به‌عنوان نتیجه‌گیری ارائه شده است. از این روی پرسش‌های اصلی این تحقیق به قرار زیر هستند: چگونه از روش‌های پژوهش بصری (عکاسی) در علوم اجتماعی می‌توان به تحلیل و شناخت بهتری از بستر طراحی در معماری دست یافت؟ عکس‌العمل دانشجویان ایرانی در مواجهه با فرآیند خوانش تصاویر چگونه است و به کدام یک از لایه‌های ادراکی موجود در سایت توجه بیشتری دارند؟ و میزان ادراک اجتماعی این دانشجویان از سایت طراحی در قیاس با دانشجویان ترکیه چه اشتراکات و تفاوت‌هایی دارد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲- رویکردهای روش‌شناسی در مطالعات بصری

افلاطون تصاویر را به سبب ضعف در تقلید از حقیقتی که بدان ارجاع می‌دهند، ضرورتاً کذب می‌داند. در خلال انقلاب علمی قرن هفدهم، رنه دکارت این بی‌اعتمادی تاریخی را مورد تأکید قرار داد. اما در دوره روشنگری در میانه قرن هجدهم نوع نگاه نسبت به عناصر بصری به‌واسطه گرایش‌های جدید فلسفی در حوزه زیبایی‌شناسی تغییر یافت. در قرن بیستم این تغییرات در آثار پدیدارشناسانه مارتین هایدگر و موریس مرلو پونتی که به تفاسیر مخاطبین در رویکرد پست مدرنیسم و قرائت‌های متعدد از یک متن واحد گرایش داشتند، مشهود است (Siegesmund, 2008). در این گرایش‌ها هر تصویر

مانند یک متن نوشتاری تصور می‌شود که دارای قابلیت‌های متعدد خوانش‌پذیری است و به سبب داشتن ویژگی‌های تأویل‌پذیری، لزوماً به یک تفسیر واحد منتهی نمی‌شود. از این روی هر تصویر می‌تواند واجد میزان بیشماری اطلاعات و تفاسیر قابل اعتنا باشد. استخراج اطلاعات موجود در هر تصویر نیازمند روش‌هایی است که بتواند اعتبار و روایی نتایج را نیز تضمین نماید.

۲-۲- روش‌شناسی تحقیق بصری

تحقیق بصری به لحاظ گونه‌شناسی، بخشی از پژوهش کیفی است. اما برخلاف پژوهش‌های کیفی که بر کلمات گفتاری و نوشتاری تأکید دارند، تحقیق بصری بر تصاویر غیر کلامی مبتنی است (Siegesmund, 2008). استفاده از تصویر به عنوان داده در پژوهش‌های کیفی، به مثابه منبعی برای استنتاج گزاره‌هایی از مفاهیم و معانی اجتماعی، مورد استفاده است و همچنان یکی از تفسیرپذیرترین روش‌ها شناخته می‌شود (Wilson et al., 2009). استفاده از روش‌های بصری یکی از گونه‌های ارتباط در فرآیند تحقیق است که از ابزارهای پیوند میان محقق و موضوع مورد تحقیق تلقی می‌شود. امروزه بسیاری از محققین بر ارزش تصاویر در مصاحبه‌ها صحنه گذاشته و معتقدند استفاده از عکس و عناصر بصری بر تعمیق موضوعات مورد مطالعه خواهد افزود و به تبیین ویژگی‌های واقعی فرهنگ جامعه مورد بررسی و بیان واضح‌تر و انعکاس بهتر اطلاعات بستر تحقیق کمک خواهد نمود (Liebenberg, 2009).

به لحاظ روش‌شناسی، طیفی از رویکردها در استفاده از تصاویر در تحقیق کیفی وجود دارند. در یک سر طیف که می‌تواند عینی^۱ تلقی شود از تصاویر به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود. در این حالت تصاویر عکاسی یا فیلم‌های مردم‌نگاری به‌عنوان ترجمانی از حقیقت هستند. تحلیل این تصاویر به‌وسیله زبان، لایه‌های نشانه‌شناختی معنا را آشکار می‌گرداند. در سوی دیگر طیف مذکور که می‌تواند زایشی^۲ نامگذاری شود، تصاویری قرار دارند که توسط محقق در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها تولید شده است. این تصاویر می‌توانند مستقل و بدون نیاز به توصیف زبانی باشند. نقطه میانی در این طیف را می‌توان شکل‌دهنده^۳ نامید که از راهبردهایی جهت خواندن مفاهیم نهفته در تصاویر حاصل از تجربه زیسته استفاده می‌نماید. این دیدگاه استدلال می‌نماید که ادراک ذاتاً نیازمند پیکربندی^۴ و تمرکز^۵ است؛ لذا تجربه ما از واقعیت عینی همیشه توسط فیل‌ترهای خودآگاه و ناخودآگاه محدود می‌شود (Siegesmund, 2008). محققین می‌توانند از هریک از جایگاه‌های فوق یا ترکیبی از آن‌ها به موضوع مورد تحقیق بپردازند. اما آنچه مهم است تبیین واضح شیوه استفاده از تصویر در جریان تحقیق است. جدول ۱ این تقسیمات را نشان می‌دهد.

جدول ۱: روش‌شناسی تحقیق بصری

روش‌شناسی تحقیق بصری		
(Generative) زایشی	شکل دهنده (Formative)	(Objective) عینی
بجز عکس و فیلم از سایر ابزارهای بصری مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، هنرهای نمایشی، کلاژ و هنرهای دیجیتال نیز استفاده می‌نماید.	محقق منتقد نیست بلکه بیشتر نقش کارگردان و با تولیدکننده را دارد. همچون دادن دوربین به فرد مورد نظر و آزاد گذاشتن او به ضبط و تفسیر جهان از دیدگاه خود.	این رویکرد شامل عکاسی و تولید فیلم بویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌شود.

۲-۳- رویکردشناسی پژوهش‌های بصری در تحلیل و ارزیابی محیط

برخی تحلیل‌ها میان محیط‌های کالبدی، اجتماعی، روان‌شناختی و رفتاری تمایز قائل شده‌اند (Lang, 2005). از این رو پژوهش‌های صورت پذیرفته در زمینه استفاده از عکس در تحلیل‌های محیطی نیز می‌توانند بسته به حوزه مورد نظر خود در همین چهار دسته طبقه‌بندی شوند. در اینجا عکس به‌عنوان ابزار ثبت و ارزیابی داده‌های کالبدی، اجتماعی، روان‌شناختی و رفتاری به‌کار برده می‌شود. پژوهشگران حوزه‌های طراحی شهری و معماران منظر در تحلیل بصری ویژگی‌های کالبدی محیط بارها از عکس‌ها استفاده نموده‌اند. در این دسته از پژوهش‌ها دو هدف اصلی مدنظر قرار دارد؛ هدف نخست، استفاده از تصاویر جهت ثبت ویژگی‌های عینی محیط جهت تحلیل وضع موجود می‌باشد. هدف دوم،

از تصاویر به عنوان وسیله‌ای برای ارزیابی محیط پس از ایجاد تغییرات فیزیکی بهره می‌برند. در این میان استفاده از تکنیک‌های فوتومونتاژ در طراحی شهری و منظر بسیار مرسوم است. این تکنیک عبارت است از فرارگیری یک تصویر بر روی عکس دیگر به منظور نمایش واقعی از پیشنهاد و یا تغییرات بالقوه در منظر که با روش‌های دستی و رایانه‌ای محقق می‌شود (IEMA, 2007). استفاده از عکس جهت ثبت الگوهای رفتاری نیز از دیگر ظرفیت‌های موجود در پژوهش بصری متکی بر تصویر می‌باشد. ویلیام وایت در دهه ۸۰ میلادی در پژوهشی از تکنیک عکسبرداری متوالی و زمان‌دار جهت ثبت رفتار مردم در فضاهای باز عمومی و پلازاهای نیویورک استفاده نمود (Whyte, 1980). در ایران، دکتر بحرینی در دهه ۶۰ خورشیدی با همین تکنیک الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از برخی میادین اصلی شهر تهران را مورد بررسی قرار داد (Bahrainy, 2004). الگوهای رفتاری کودکان پیش دبستانی در فضاهای معماری نیز توسط همین تکنیک بارها مورد ارزیابی قرار گرفته است (Abbas & Othman, 2010).

ترجیحات ذهنی، اثرات احساسی، روانشناختی و حتی زیبایی‌شناسی مخاطبان می‌تواند توسط چینش سلسله مراتبی و یا ارزشگذاری تصاویر توسط کاربران ارزیابی شود. این پژوهش‌ها، از بعد روانشناختی، ادراکی و شناختی به محیط می‌نگرند. به عنوان مثال اردوغان و همکاران (2010) در پژوهشی به بررسی توانایی دانشجویان معماری در تشخیص سبک‌های متعدد معماری به وسیله دسته‌بندی ۲۱ تصویر از آثار معماری در سطح جهان پرداختند (Erdogan et al., 2010). اما استفاده از ظرفیت عکس‌ها در برانگیختن عکس‌العمل‌های قیاسی و استدلالی در حیطه علوم اجتماعی، بیشتر در مطالعات انسان‌شناسی مورد استفاده بوده است (harper, 2002; Collier, 1986). در کل در فرآیند طراحی معماری کمتر از عکاسی استفاده شده است. عکس، در اکثر رشته‌های سنتی مبتنی بر اصول دیداری همچون معماری، صرفاً به عنوان شکلی ساده از مستندسازی تصویری مورد استفاده بوده است. به همین جهت شگفت‌انگیز نیست که معماری به عکاسی به مثابه ابزار ثبت واقعیت بصری بنگرد. ابزاری که جهت مستندسازی محیط مادی بلافصل استفاده می‌شود. در این مسیر، عکاسی به فرآیند طراحی کمک می‌نماید بدون اینکه به عنوان ابزاری برای تفسیر عمیق و انعکاس بیرونی آن‌ها باشد (Tok et al., 2010).

پیشنهاد این نوشتار این است که عکاسی به صورت کامل‌تری می‌تواند در آموزش معماری به وسیله فرآیندهای تفسیری و «خواندن» تصاویر مورد استفاده قرار گیرد. فرآیندی که با پارادایم سواد بصری هم راستا بوده اما فراتر از «رمزگشایی» نشانه‌شناسی و ساده تصاویر قرار دارد (Elkins, 2003). در این زمینه به «خواندن» به مثابه فرآیند «تفسیر و استخراج» نگریسته می‌شود که با پیچیدگی همراه است و شامل لایه‌های متعدد معنایی از قبیل لایه‌های کالبدی، اجتماعی، رفتاری، رویدادها و ویژگی‌های فرهنگی است. این موضوع کوششی آگاهانه (هم استقرایی و هم استنتاجی) جهت یافتن داده‌های متبلور در تصویر است که با آگاهی از احساسات، تفکرات، خاطرات و هیجانات ناشی از مواجهه با تصویر حاصل می‌شود.

۳. استفاده از عکس در تحلیل و شناخت سایت و بستر طراحی

از جمله ویژگی‌های هر موضوع طراحی، لایه‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در بستر طراحی است. استفاده از راهبرد تحقیق بصری با روش «عینی» و «شکل دهنده»، امکان استفاده از عکاسی را در فرآیند دستیابی به این شناخت میسر می‌نماید. از آنجا که هدف از عکاسی در این شیوه، ثبت لحظه‌ای از رخدادها موجود در محیط شهری است، لذا استفاده از عکس‌های دیجیتالی از محیط‌های ساخته شده مناسب است. در این راستا لازم است تعدادی عکس از یک موضوع و در زمان‌های مختلف از یک روز تهیه شود تا پوشش نسبتاً کاملی از رویدادهای اجتماعی محوطه طراحی به صورت تصویری ثبت شود. جهت مواجهه مناسب‌تر با موضوع، لازم است از تکنیک «عکاسی سریع یا Snapshot» و بدون کادربندی خاص زیبانشناختی استفاده نمود. این تکنیک، عکس‌هایی سریع از مواجهه مستقیم با محیط بدون صرف زمان زیادی جهت ترکیب‌بندی حاصل می‌آورد و دارای پیامدهای عملی و نظری است.

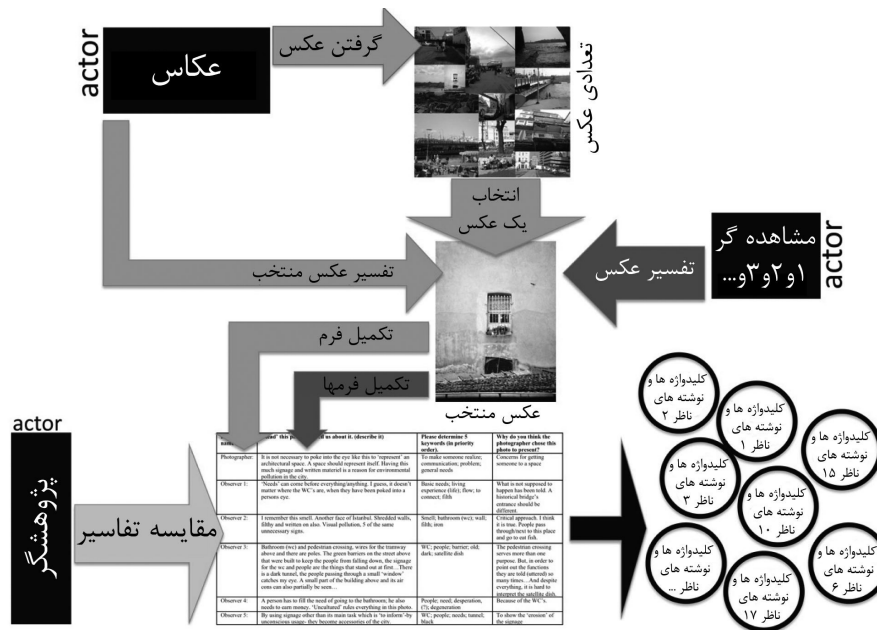
هرچند نیت دانشجویان در پس گرفتن عکس‌ها با اهمیت است، ولی رویکرد «عکاسی سریع»، ویژگی تصادفی و غیر مترقبه بودن را به تصویر نهایی اضافه می‌نماید و این موضوع به نوعی بازتابی از پیچیدگی محیط است. در مقام مقایسه، در اغلب رویکردهای سنتی به تحلیل سایت و بستر طراحی - مانند کروکی زدن - تمام عناصر آن تعمودی و آگاهانه هستند. چراکه بدون حضور آشکار و صریح هنرمند وجود نخواهند داشت (Tok et al., 2010). اما افزایش سرعت در ثبت تصاویر، نه تنها در زمان صرفه‌جویی می‌نماید، بلکه از جلب توجه مردم که می‌تواند به تغییر رفتار منتهی شود و هم مانعیت به عمل خواهد آمد. همچنین این موضوع تأثیر نیت عکاس در انتخاب موضوع و حذف سایر موضوعات موجود در متن محیط شهری را به حداقل کاهش می‌دهد. سرعت فرآیند «عکاسی سریع» بدین معنا نیز هست که پروژه‌هایی از این نوع به سرعت و بدون قطع ارتباط دانشجویان با محیط تکمیل می‌شوند. چراکه حاصل تجربه درونی دانشجویان هستند. در سال ۲۰۱۰، توک و همکاران، در پژوهشی فرآیند استفاده از عکاسی سریع در جریان تفسیر محیط توسط دانشجویان معماری را در عمل مورد استفاده قرار دادند. مقاله حاضر می‌کوشد تا روش مورد استفاده توسط توک و همکاران (2010) را در فرآیند تحلیل و شناخت محتوای سایت طراحی با تأکید بر ویژگی‌های اجتماعی محیط، تبیین نمایند و از سوی دیگر به مقایسه ادراک دانشجویان ایرانی و ترکی در نگاهی تطبیقی بپردازند.

۳-۱- فرآیند «خواندن» عکس در تحلیل محتوای سایت طراحی

توک و همکاران (2010) در فرآیندی به شرح تصویر ۱ از دانشجویان سال‌های میانی معماری خواستند تا هر یک ضمن بازدید از منطقه طراحی (کاراکوی در استانبول) مجموعه عکس‌هایی را با تکنیک «عکاسی سریع» تهیه و هر دانشجو یک عکس را به کلاس ارائه دهد. سپس از میان تصاویر جمع‌آوری شده، دو تصویر به شکلی اتفاقی انتخاب و میان ۲۰ شرکت‌کننده به عنوان مشاهده‌کنندگان تصاویر در کلاس تقسیم شد (تصویر ۲). هر دانشجو موظف بود که عکس را تفسیر نموده و کلمات کلیدی آن را بدون داشتن دریافت عکاس از موضوع، تفسیرهای او و یا کلمات کلیدی‌اش، کلید واژه نماید. تمام دانشجویان نسبت به منطقه طراحی آشنایی داشتند. جهت ارزیابی و مقایسه عملی نتایج کار دانشجویان ترکی و ایرانی، دانشجویان سال دوم کارشناسی در ۲ دانشگاه شهر شیراز مورد آزمون قرار گرفتند. در این راستا ۲۱ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شیراز و ۱۷ نفر از دانشجویان دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز در سال ۱۳۹۰ در این پژوهش شرکت داشتند. از میان ۳۸ شرکت‌کننده در این آزمایش، ۷۶ تصویر (هر دانشجو ۲ تصویر) به‌دست آمد. منطقه طراحی بخشی از بافت میانی شیراز تعریف شد که به سبب مداخلات فراوان در ۵ دهه گذشته چهره متنوع و پیچیده‌ای به خود یافته است و به لحاظ تاریخی و تنوع مداخلات شبیه منطقه کاراکوی در استانبول دارای بافت‌های معاصر و تاریخی در کنار یکدیگر هستند (تصویر ۳). دانشجویان از محوطه طراحی همچون نمونه ترکیه شناخت نسبی داشته‌اند. از مجموع تصاویر ارائه شده، ۲ عدد به طور اتفاقی مطابق روش توک و همکاران انتخاب شدند (تصویر ۴). جهت تسهیل فرآیند تفسیر عکس‌ها، از شرکت‌کنندگان تقاضا شد فرم‌هایی شامل سوالات باز از ۲ عکس یاد شده را تکمیل نمایند. این پرسشنامه حاوی ۳ پرسش تشریحی است که پیش‌تر توسط توک و همکاران (2010) در ترکیه مورد استفاده بوده و به شرح زیر می‌باشند:

- این تصویر را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید؟
- کلمات کلیدی معرف این تصویر را بنویسید؟
- به نظر شما علت انتخاب این عکس توسط عکاس جهت ارائه به کلاس چه بوده است؟

تصویر ۱: شرح بصری فرآیند ارزیابی عکس توسط توک و همکاران



(Tok et al., 2010)

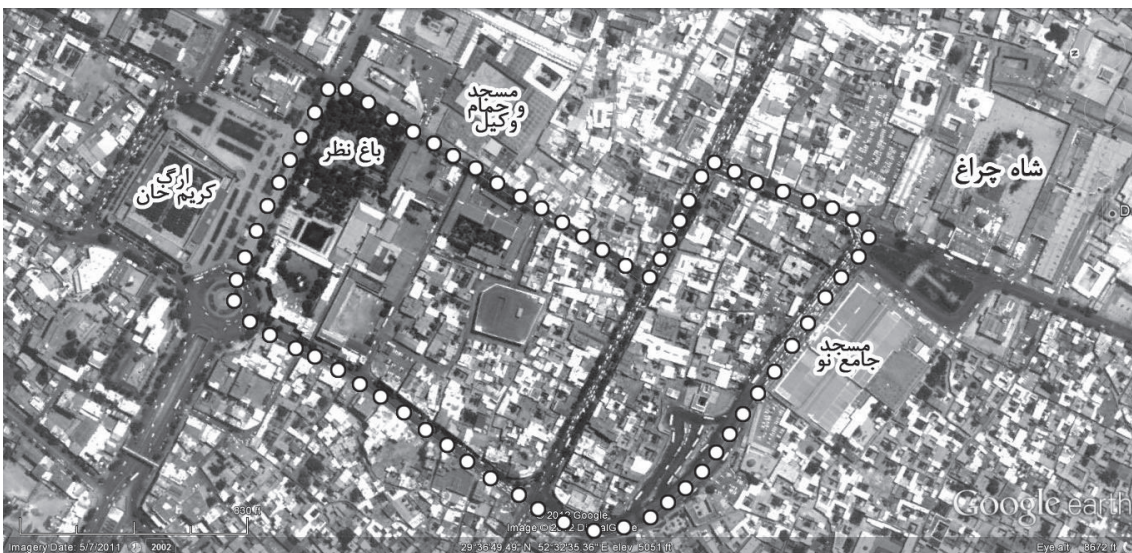
تصویر ۲: عکس‌های مورد استفاده در پرسشنامه دانشجویان ترکیه



(Tok et al., 2010)

مبانی پایه جهت «خواندن» محیط مصنوع پیش‌تر در کلاس مورد بحث قرار گرفته بود. با این حال ایده «خواندن» تصاویر بعدها، پیش از انجام تفسیر، همچون نمونه ترکیه معرفی شد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد به «خواندن» و تشریح هر تصویر و سپس انتخاب ۵ کلمه کلیدی و مرتب نمودن آن‌ها مبتنی بر تقدم و تأخر آن‌ها اقدام نمایند. همچنین درخواست شد، تکمیل این پرسشنامه بدون اطلاع از تفاسیر دیگران صورت پذیرد تا بتوان اثبات نمود داشتن پیشینه آشنایی از یک منطقه به تفاسیر مشترکی نیز می‌انجامد. سرانجام تفسیرها و کلید واژگان تهیه شده توسط دانشجویان توسط محققین ارزیابی شد. به سبب محدودیت، در این نوشتار تنها نتایج حاصل از یکی از تصاویر متشابه با نمونه ترکیه به تفصیل ارائه شده و به نتایج حاصل از تصویر دوم تنها اشاره شده است.

تصویر ۳: محدوده سایت طراحی و همجواری‌های آن



تصویر ۴: عکس‌های انتخاب شده به روش اتفاقی از محدوده سایت



۴. تشریح و تحلیل یافته‌ها

از جالب توجه‌ترین ویژگی‌های عکس‌های گرفته شده توسط دانشجویان و تفسیرهای آن‌ها نه تنها حجم اشارات آن‌ها به فاکتورهای مادی و اجتماعی-رفتاری است، بلکه پیوند آن‌ها با یکدیگر و با لایه‌های مختلف معنی در سایتی است که بدان اشاره دارند. جداول ۲ و ۳ به ترتیب بخشی از پاسخ دانشجویان ترکیه‌ای را به تصویر ۲ و جداول ۴ و ۵ پاسخ دانشجویان ایرانی را به تصویر ۴ نشان می‌دهند. نتایج حاصل از تفسیر عکس‌ها توسط دانشجویان ترک نشان دادند که «همه دانشجویان جز یک نفر به استفاده بیش از حد از علامت سرویس بهداشتی توجه نموده و تنزل سایت تاریخی به عنوان یک موضوع را درک کردند. تفسیرها درک مشترکی را میان دانشجویان ارائه می‌دهند. هر چند رویکرد تحت‌اللفظی و توصیفی به عکس در اغلب اظهارات مشهود است اما آن‌ها فراتر از این رفته‌اند. واضح است که تصویر، عکس‌العمل‌های عاطفی را نیز سبب شده است که به خاطرات، احساسات و بویایی به‌طور خاص مرتبط است. تفسیرهای دانشجویان نوعی ناراحتی و یا نزاع با محیط را از عکس بیرون می‌کنند. همچنین شامل حسی هستند که خاطرات آن‌ها را از مکانی که تجربه نموده بودند، نشانه می‌رود» (Tok et al., 2010).

جدول ۲: بخشی از تفسیرهای حاصل از عکس ۲- الف توسط دانشجویان ترکیه

شماره مفسر	تفسیر نوشتاری در پاسخ به پرسش: «این تصویر را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید»	کلمات کلیدی به ترتیب اولویت نویسندگان	پاسخ به پرسش: «به نظر شما علت انتخاب این عکس توسط عکاس چه بوده است؟»
۱	متصل کردن، تعلق به سبک موجود، در بیانی بهتر «پیچیدگی». مشخص کردن مرز نیازها و آنچه باید باشد.	سبک، هرج و مرج، تاریخ، حمل و نقل، زندگی	من می‌خواهم در مورد هر چه که می‌بینم تحت تأثیر هم ارزش‌ها و هم معضلات آن در کاراکوی صحبت کنم.
۲	ساختمانی محصور که در دست ساخت است. جدا کننده‌هایی وجود دارد. اما هر کس کار خود را انجام می‌دهد. پیچیده.	مردم، پیچیدگی، کشتی، ماهی، شغل	وی همه چیز را می‌خواسته در عکس بیان کند.
۳	کشتی در بارانداز است و درست در کنار آن مردم در حال ماهیگیری‌اند. نام «ساختمان مارین» و واژه TOKI که چشم‌گیر است. مرزهای محدوده ساختمانی وجود دارد و فردی که به راحتی در کنار آن بدون نگرانی نشسته است. ازدحام...	ساختمان مارین، علامت، TOKI و محدوده آن، ازدحام، کشتی، ابرها.	ساخت‌وساز، جمعیت، کشتی، ماهیگیری و غیره همگی پیچیده‌اند، در واقع هر چیزی به سبک خودش است.
۴	ساحل محدود کوراکوی که مورد استفاده است و مردم. تصور می‌کنم جای دیگری باقی نمانده است که TOKI در آن دست اندازی نکرده باشد. مردمی که بی توجه به همه چیز به زندگی عادی روزانه خود مشغولند.	TOKI، دیوار گمرک، مردم، کشتی‌ها، ساحل محدود	احتمالاً می‌خواسته پیچیدگی منطقه را نشان دهد.

(Tok et al., 2010)

جدول ۳: بخشی از تفسیرهای حاصل از عکس ۲- ب توسط دانشجویان ترکیه

شماره مفسر.	تفسیر نوشتاری در پاسخ به پرسش: «این تصویر را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید»	کلمات کلیدی به ترتیب اولویت نویسندگان	پاسخ به پرسش: «به نظر شما علت انتخاب این عکس توسط عکاس چه بوده است؟»
۱	نیازها می‌توانند قبل از هر چیز و همه چیز باشند. من حدس می‌زنم جای سرویس بهداشتی وقتی که در چشم ذق می‌زنند، اهمیتی ندارد.	نیازهای اولیه، تجربیات زندگی، گردش، اتصال، بوی بد	آنچه که نباید روی می‌داد گفته شد؟ همجواری‌های پل تاریخی باید متفاوت باشد.
۲	چنین بوهایی را به یاد می‌آورم. چهره دیگری از استانبول. دیوارهای شکسته، آلودگی نوشتاری روی دیوار، آلودگی بصری، ۵ علامت غیر ضروری مشابه.	بو، سرویس بهداشتی، دیوار، کثیفی، آهن (به عنوان مصالح)	رویکرد انتقادی، من فکر می‌کنم که حقیقت دارد. مردم از میان آن عبور می‌کنند و می‌روند تا ماهی صرف کنند.
۳	سرویس بهداشتی و تقاطع عابرپیاده، به عنوان وسیله انتقال سیم‌ها و دکل‌های تراموای بالای آن هستند. موانع سبز در خیابان بالایی که برای جلوگیری از سقوط مردم ساخته شده است، علائمی برای سرویس بهداشتی و مردمی که از ابتدا در بیرون ایستاده‌اند... این یک تونل تاریک است، مردمی که از یک روزنه کوچک می‌گذرند توجه مرا به خود جلب می‌کنند...	توالی، مردم، مانع، کهنه، تیره، گیرنده ماهواره	تقاطع عابرین بیش از یک هدف دارد. اما برای اشاره به آن عملکردها خیلی چیزها را بیان می‌کند... با وجود همه این موارد تفسیر علت وجود گیرنده‌های ماهواره مشکل است.
۴	فردی برای رفع نیازهای خود به دستشویی می‌رود؛ او همچنین به پول هم احتیاج دارد... «بی فرهنگی» در همه جای این عکس دیده می‌شود.	مردم، نومیدی، انحطاط	به سبب وجود سرویس‌های بهداشتی.
۵	با استفاده از این علامت‌ها در مفهومی غیر از رسالت اصلی آن‌ها که همانا آگاه نمودن است و با استفاده از ضمیر ناخودآگاه، علائم به تسهیلات شهری بدل خواهند شد.	سرویس بهداشتی، مردم، احتیاج، تونل، سیاه	جهت نشان دادن فرسایش علائم...

(Tok et al., 2010)

جدول ۴: بخشی از تفسیرهای حاصل از عکس ۴- الف توسط دانشجویان ایرانی

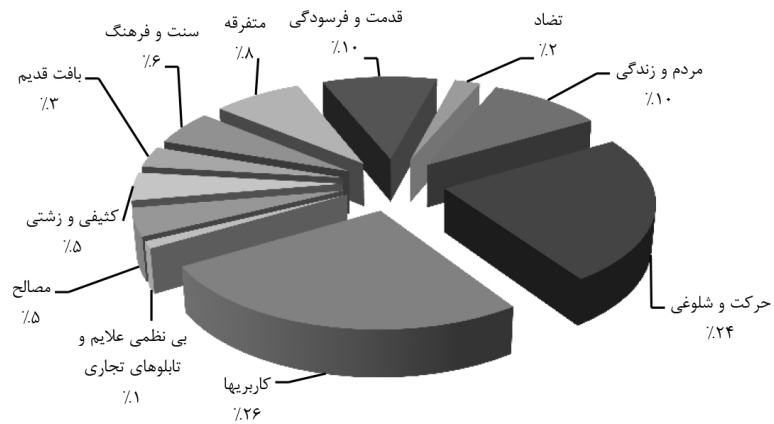
شماره مفسر.	تفسیر نوشتاری در پاسخ به پرسش: «این تصویر را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید»	کلمات کلیدی به ترتیب اولویت نویسندگان	پاسخ به پرسش: «به نظر شما علت انتخاب این عکس توسط عکاس چه بوده است؟»
۳	پارک ماشین در کنار نوشته پارک ممنوع، علامت پارکینگ عمومی، ساختمان قدیمی و جدید، بافت مرده در کنار بافت زنده.	پارکینگ عمومی، پارک. ممنوع، ساختمان قدیم و جدید	کنش‌های موجود میان جدید و قدیم.
۴	اغتشاش بصری، عدم تناسب ملحقات جدید و بافت قدیمی، تعدد علائم شهری.	اغتشاش، تخریب چهره بافت سنتی	تصویر چهره مخشوش بافت سنتی.
۵	گوشه‌ایی از بین رفتن بافت شهر باستانی، ظهور مدرنیته، خاطره در خودش دارد.	معماری، مرمت، مرگ شهری، سنت، کولر، مغازه، طاق	معتراض بوده، معماری سنتی به رایش مهم بوده است.
۶	مغازه‌ها هنوز کارایی دارند اما قسمت بالا ندارد، شیشه‌های شکسته بهتر از پایین خودش را نشان می‌دهد.	گذشته، ایوان، تماشا، خوب	نگاه جالب و انتخاب ساده.
۹	تراس بیرون زده، کولر وصل شده، معماری سنتی.	تراس، سقف، خط قوس بالای پنجره، کنسول	فضاهای قدیمی و در حال تخریب.
۱۰	بنای قدیمی با دید به سمت خیابان، دو کاربری اداری و مسکونی.	کهن، بافت، مسکونی، تجاری	معرفی یک بنا.
۱۲	تصویر بافت قدیمی از یک شهر، کاربری تجاری و مسکونی.	فلش اطلاعات شهری، سرویس بهداشتی، پارکینگ	توجه به بافت قدیمی، دو کاربری کنار هم‌دیگر.
۱۳	تابلوه‌های جدید در کنار بافت قدیمی، انواع فونت که هر کدام حرف خودش را می‌زند.	پارکینگ عمومی، آژانس دوچرخه، دستشویی، لطفاً پارک نکنید	ناهنجاری اجتماعی.

جدول ۵: بخشی از تفسیرهای حاصل از عکس ۴- ب توسط دانشجویان ایرانی

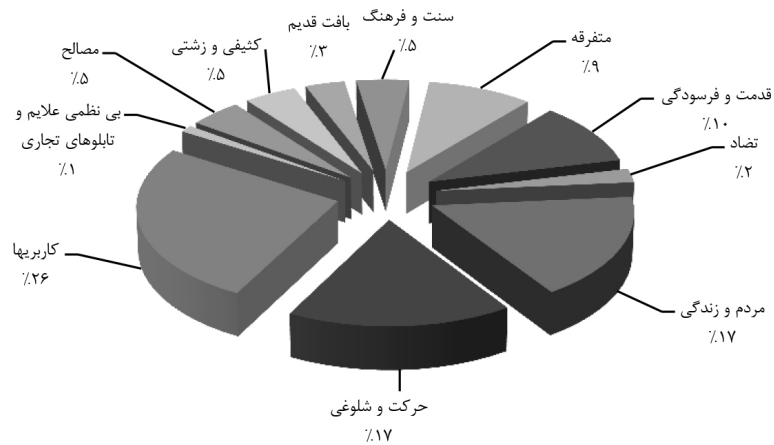
شماره مفسر	تفسیر نوشتاری در پاسخ به پرسش: «این تصویر را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید»	کلمات کلیدی به ترتیب اولویت نویسندگان	پاسخ به پرسش: «به نظر شما علت انتخاب این عکس توسط عکاس چه بوده است؟»
۳	گرمابه قدمت خیابان را نشان می‌دهد، همین‌طور پنجره‌ها و سقف شیروانی موجود در تصویر. شیروانی گویای نوع اقلیم است و تغییر شرایط آب و هوایی در شیراز که هرچه زمان می‌گذرد خشک‌تر می‌شود. یک خیابان شلوغ و پر رفت و آمد که احتمالاً ترافیک هم دارد. ماشین و سبک مغازه‌ها گویای تضاد است.	قدمت، تضاد، گذر زمان	ماشین در پایین تصویر و آهن و قاب‌های بالای تصویر بیانگر این است که تاریخ مانند بنای قدیمی در مرکزین زندگی است؛ هم با تاریخ زندگی می‌کنیم و هم از آن دور می‌شویم.
۴	جریان داشتن زندگی بین مردم، چهره‌ای از شهر.	مردم، ساختمان، حرکت و شلوغی، زندگی، قدمت	نشان دادن نوع زندگی، مردم و ساختمان‌ها و به‌طور کلی بافت خاصی از شهر.
۵	بافت قدیمی و فرسوده و بازارهای قدیمی و ازدحام رفت و آمد مردم در این گذرها.	بافت قدیمی، بازار، مردم، فرسودگی	نشان دادن زندگی عادی و روزمره مردم در بافت قدیم.
۶	هرج و مرج، به هم ریختگی، شلوغی و درهم و برهم بودن مغازه‌ها و همچنین وجود یک گرمابه در میان این رفت و آمد و شلوغی.	گرمابه توکل، شلوغی، نامنظمی تابلوهای مغازه‌ها	نشان دادن نامنظمی و ترکیب بد مغازه‌ها.
۹	تصویری از یک راسته تجاری مسکونی قدیمی که ردیف پایین تجاری و بالای آن شبیه یک واحد مسکونی است. ترکیب و نوع پنجره‌ها (چوبی فرسوده)، آجر و خستگی بنا نشان از قدمت بالای آن است. از سردر بنا می‌توان گفت که این ساختمان کلاً تجاری بوده است ولی ارتفاع پنجره‌ها بیشتر شبیه اتاق‌های مسکونی قدیمی است.	راستا، آجر، چوب، پنجره، مردم	نمی‌توان به طور دقیق گفت ولی شاید این بنا یادآور خاطراتی باشد یا عمر بنا آنقدر زیاد باشد که نسل‌های آینده بتوانند از آن هم درس بگیرند یا شاید هم بخواهد بگوید بنا در حال از بین رفتن هستند و هیچ کس هم به آن توجهی نمی‌کند.
۱۰	یک بازار قدیمی و هر فضا با هر کاربری در کنار یکدیگرند که هیچ کدام به همدیگر ربطی ندارند. یک فضا به اتمام نیازهای روزانه افراد در کنار همدیگر، مردمی بودن فضاها.	شلوغی، قدیمی، زندگی، روزمره افراد عادی، کثیفی، بازارچه	نشان دادن زندگی عمومی و عادی مردم یک شهر در یک بازارچه، قرارگیری فضاهای مختلف با کاربری‌های گوناگون در کنار یکدیگر، شاید صمیمیت و مردمی بودن فضا.
۱۲	این نوع زندگی اجتماعی است که چهره شهر را نازیبیا کرده و احتیاج به یک سازماندهی دارد. با قرار گرفتن کاربری‌هایی که به هم مربوط نیستند و ایجاد یک محیط کثیف.	زشتی، شلوغی، هرج و مرج، کثیفی	نشان دادن چهره شهر.
۱۳	گذشتن از مکانی بدون توجه به این که این مکان روزی در آن هیاهویی به پا بوده و زنده بوده است. گرچه ممکن است برای ما ارزشی نداشته باشد ولی برای کسانی که برای ما عزیزند این مکان‌ها ارزشمند است. هیاهو و هجوم مردم شاید برای گذراندن زندگی و یا شاید هم...	هیاهو و شلوغی، نگرانی، بی ارزش کردن خاطرات دیگران	شاید می‌خواسته گذر زمان را به ما یادآوری کند (با گرفتن عکس از گرمابه) و پذیرش این حقیقت که زندگی می‌گذرد و ما هم روزی جزء گذشته‌ها می‌شویم.
۱۷	با توجه به مغازه بودن طبقه همکف، طبقه بالا بدون سکنه است.	شلوغی، انواع مغازه‌ها، خدمات در کنار یکدیگر، ازدیاد جمعیت و اتومبیل‌ها، نیمه قدیمی	چرا طبقه بالا این مکان‌ها خالی است؟ طبقات خالی از شلوغی پر شده است.

جهت تدقیق تفسیرهای انجام شده توسط دانشجویان ایرانی، انواع واژگان کلیدی مورد اشاره با توجه به محتوای آن‌ها در ۹ دسته به شرح نمودار ۲ طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان دادند که توجه به انواع کاربری‌های موجود در تصویر بیشترین مفاهیم مورد اشاره بوده است. همچنین حرکت، شلوغی و رفت و آمد در مرتبه دوم و مردم، زندگی و خاطرات آن‌ها در مرتبه سوم اشارات قرار داشته‌اند. کم‌ترین کلمات کلیدی نیز شامل علائم و تابلوهای موجود در تصویر بوده است. بررسی تفسیر نوشتاری آن‌ها در پاسخ به این پرسش که «این تصویر را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید»، بیانگر اولویت‌های پیشین در دسته‌بندی واژگان کلیدی است (نمودار ۳). در این پاسخ‌ها توجه به کاربری‌ها در مرتبه نخست و مردم و زندگی آن‌ها و شلوغی و حرکت مشترکاً در مرتبه دوم و قدمت و فرسودگی در مرتبه سوم هستند. اما محتوای پاسخ به این پرسش که «به نظر شما هدف عکاس از گرفتن این عکس چه بوده است؟» تغییراتی را در اولویت‌ها نشان می‌دهد. در بررسی این نتایج توجه به زندگی و مردم در اولین نخست بوده و نشان دادن کاربری‌ها و فرسودگی و قدمت به ترتیب در اولیت‌های بعدی قرار داشتند (نمودار ۴).

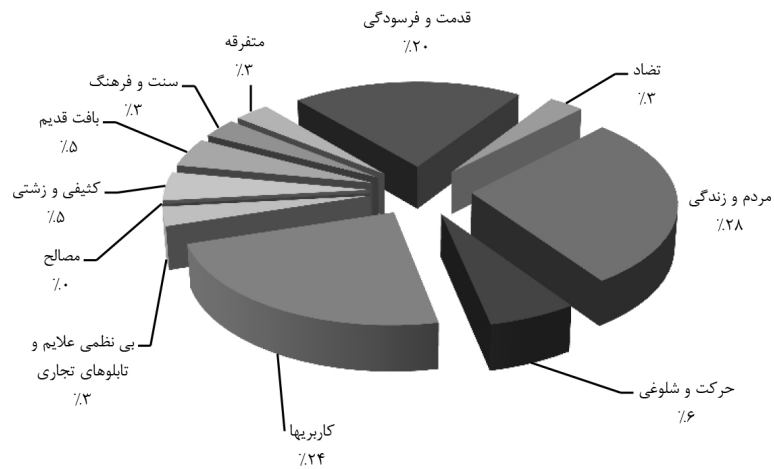
نمودار ۲: دسته‌بندی واژه‌های کلیدی پاسخ داده شده توسط دانشجویان براساس محتوای آن‌ها



نمودار ۳: دسته‌بندی پاسخ به پرسش این عکس را بخوانید و راجع به آن توضیح دهید



نمودار ۴: دسته‌بندی پاسخ به پرسش به نظر شما علت گرفتن عکس چه بوده است



۴-۱- قیاس یافته‌ها

الف- محتوایی: از نظر محتوایی در هر دو عکس ۲ و ۴ (ب) دانشجویان با منظر شهری و بخشی از علائم به عنوان مبلمان شهری مواجه بودند. دانشجویان ایرانی در تفاسیر فردی خود جز در دو مورد، به علائم شهری و دیوارنویسی‌ها کمتر توجه و عکس‌العمل نشان دادند. شاید یکی از علت‌های آن را در تکرار هر روزه چنین مناظری در سطح شهر و عادات بصری آن‌ها باید جستجو نمود. در مقابل دانشجویان ترکیه‌ای تنها در یک مورد در تفسیر خود به علائم توجه مستقیمی نشان نداده‌اند. بررسی تصاویر ۲ و ۴ (الف) نیز نشان می‌دهند که دانشجویان ایرانی در تفسیر خود از عکس، بیشتر توجهشان معطوف به ترکیب عناصر و کاربری‌های مختلف با یکدیگر است. در این تصویر نیز تنها یک مورد به آلودگی بصری ناشی از علائم شهری و تابلوهای مغازه‌ها توجه جدی دارد. همچنین توجه چندانی نیز به رفتار مردم و طبقات فرهنگی در عکس دیده نمی‌شود. این در حالی است که دانشجویان ترکیه‌ای بیشتر به الگوهای فرهنگی و طبقاتی مردم توجه داشتند. در عوض دانشجویان ایرانی به بافت قدیمی موجود در تصویر برخلاف نمونه ترکی اهمیت بیشتری دادند.

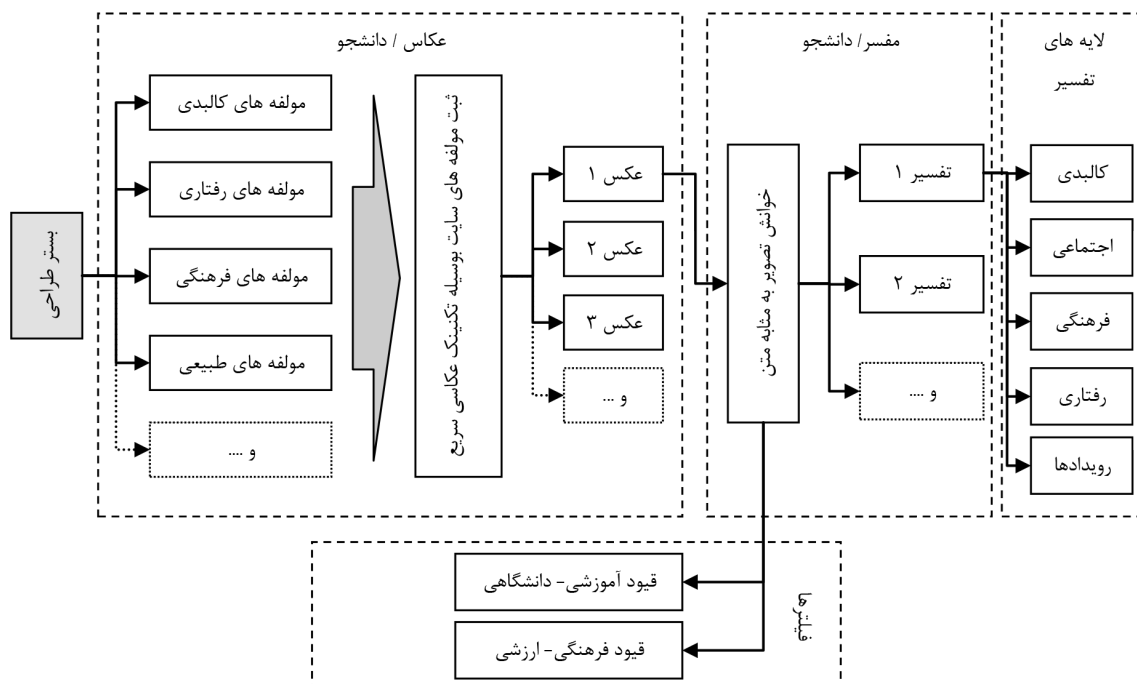
ب- مفهومی: به لحاظ مفهومی جنس تفاسیر دانشجویان ترکی، انتقادی است. در اظهار نظر آن‌ها نوعی تحلیل ناشی از فهم متقابل آن‌ها از شرایط محیطی و اجتماعی استانبول دیده می‌شود. با این حال دانشجویان ایرانی کمتر دارای دیدگاه و نقطه‌نظر انتقادی حاصل از بینش فردی خود هستند. نگاه آن‌ها اغلب توصیفی است و تحلیل‌ها تنها برای استنتاج آنچه دیده و یا حدس زده می‌شود، مورد استفاده است تا این که ابزاری برای بیان یک نظر ارزشی حتی به شکل فردی و شخصی خود باشد. ادراک دانشجویان ایرانی در لایه‌های کالبدی باقی مانده و به لایه‌های اجتماعی و رفتاری و فرهنگی کمتر وارد می‌شود. این در حالی است که دانشجویان ترکی به لایه‌های فرهنگی و رفتاری بیشتر توجه نشان دادند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی جهت پژوهش‌های آتی

مقایسه تطبیقی عکس‌العمل دانشجویان ایرانی و ترکیه‌ای به تصاویر، نشان‌دهنده توجه بیشتر دانشجویان ترک به رفتار مردم، شیوه زندگی و علائم شهری در رویکردی انتقادی است. در حالی که دانشجویان ایرانی (حداقل در این مطالعه) به بافت‌های قدیمی و نوع کاربری‌ها عکس‌العمل‌های توصیفی بیشتری نشان داده‌اند. هر چند این موضوع قطعیت نداشته و می‌تواند تحت تأثیر نوع تصاویر مورد تفسیر که بیشتر ویژگی‌های معماری گذشته را در برداشته است، صورت پذیرفته باشد اما وجود چنین نگرش‌هایی در کل نمی‌تواند در ساختار آموزشی و اجتماعی مانع نباشد. نگارندگان بر این باورند که ۲ دسته قیود در ایجاد چنین تفاوتی میان ادراک دانشجویان ترکی و ایرانی قابل بررسی است. دسته نخست شامل ضعف‌های نظام آموزشی و دانشگاهی کشور در رشته معماری است که کمتر توجهی به ابعاد اجتماعی و غیر عینی محیط مصنوع و تحلیل آن دارد و به «قیود آموزشی- دانشگاهی» تعبیر می‌شود؛ و دسته دوم به نوع سیستم فرهنگی و ارزشی جامعه مرتبط است که توجه بیشتری نسبت به ارزش‌های سنتی و مفاهیم موجود در آن دارد. این موضوع که ناشی از «قیود ارزشی- فرهنگی» است تا حدی سمت و سوی تفسیرهای دانشجویان را به گذشته متمایل می‌نماید. نمودار ۵، این فرآیند را نشان می‌دهد.

دیگر نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که دانشجویان حذب با دانش اندک در زمینه پژوهش بصری می‌توانند با موضوعات اجتماعی و عمومی‌تر سایت، آشنا و درگیر شده و بدین ترتیب به جنبه‌های غیر ملموس بستر طراحی نیز توجه نمایند. مثالی که در این جا ارائه شد بخشی از روشی غنی است که شیوه کار با دانشجویان را نشان می‌دهد. این روش همچنین الگوها، توده مردم و ناهنجاری‌های موجود در مسائل اجتماعی محیط مصنوع را روشن می‌نماید. رویکرد «عکاسی سریع» در عکاسی ویژگی تصادفی و غیر مترقبه بودن را به تصویر نهایی اضافه می‌نماید و این موضوع به نوعی بازتابی از پیچیدگی محیطی است که دانشجویان با آن در عالم واقع سر و کار خواهند داشت. لایه‌های متعدد زوایای دید دانشجویان به خودی خود سرآغاز گفتگو پیرامون تصاویر است و یادداشت‌ها می‌توانند به شکل واضح‌تری جهت اهداف مورد نظر آتلیه، مورد بحث قرار گیرند. در حالی که پژوهش حاضر در پی ترسیم نتایجی قطعی راجع به روش بحث شده، نیست. با این وجود پیشنهاداتی جهت نحوه انجام کار ارائه داده است که کاملاً انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر با بسترهای آموزشی و یادگیری متفاوت و یا موضوعات مختلف طراحی در مقیاس‌های مختلف هستند. به نظر نگارندگان عکاسی در پیوند با فرآیند تفسیری که در این نوشتار بدان اشاره شد، ابزاری مفید در پرورش نسل جدیدی از معماران خواهد بود که به شکلی اجتماعی و کالبدی با محیط درگیر می‌باشند. پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی تطبیقی نتایج طراحی دانشجویان با و بدون استفاده از این روش پرداخته، نقاط ضعف آن را بهبود بخشند و یا کارآمدی آن را مورد ارزیابی دقیق‌تری قرار دهند. از این رهگذر اصلاح برنامه‌های آموزشی کشور براساس توجه به نیازهای واقعی جامعه میسر خواهد شد.

نمودار ۵: فرآیند خوانش بستر طراحی توسط عکاسی سریع و قیود تفسیر آن



1. Objective
2. Generative
3. Formative
4. Framing
5. Focusing
6. Karaköy

۷. TOKI، نوعی انجمن خانه‌سازی و ساخت و ساز با پارانه‌های دولتی است که خانه‌هایی ارزان قیمت فراهم می‌آورد.

References

- Abbas, M.Y., Othman, M. (2010). Social behavior of preschool children in relation to physical spatial definition. *Procedia (Social and behavioral Sciences)*, (5), 935-941.
- Bahrainy, S.H. (2004). *Urban space analysis; in relation to users' behavior pattern* (3rd Ed.). Tehran: Tehran University press.
- Collier, J. & Collier, M. (1986). *Visual Anthropology: Photography as a Research Method*. New Mexico: University of New Mexico Press.
- Daneshgar Moghadam, G. (2010). Comprehending Design Problem in Architectural Education. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 12(37), 59-68.
- Elkins, J. (2003). *Visual Studies: A Skeptical Introduction*. New York: Routledge.
- Erdogan, E., Akalin, A., yildirim, K., Erdogan, H.A. (2010). Students' evaluations of different architectural styles. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (5), 875-881.
- Harper, D. (2002). Talking about pictures: a case for photo elicitation. *Visual Studies*, 17(1):13-26.
- IEMA, & LI. (2002). *Guidelines for Landscape and Visual Impact Assessment* (2nd Ed.). London: Spon Press.
- Khakzand, M., Mozaffar, F., Faizi, M., Azimi, M. (2010). "Visual Analogy" and its Position in Creative Education of Architectural Design. *Journal of Technology of Education*, 4 (2), 153-162.
- Lang, J. (2005). *Creating architectural theory; the role of behavioral science in environmental design* (2nd ed.). (Dr. Alireza. Eynifar, Trans.). Tehran: Tehran University press (Original work published 1987).
- Lawson, Bryan. (2006). *How designers Think; the design process demystified* (3rd Ed.). (Dr. Hamid. Nadimi, Trans.). Tehran: Shahid Beheshti university press (Original work published 2003).
- Liebenberg, Linda. (2009). The visual image as discussion point: increasing validity in boundary crossing research. *Qualitative Research*, (9), 441-466.
- McGinty, T. (1979). Design and the Design Process (J. C. Snyder., A. J. Catanese., Eds.). *Introduction to Architecture*, 152-190, New York: McGraw-Hill.
- Shahidi, M.Sh., Bemaniyan, M.R., Yalpanian, M. (2009). The role of research in architecture design process education. *Hoviyat Shahr*, 2(2), 81-91.
- Siegesmund, R. (2008). *Visual Research. In The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods*, SAGE Publications: Retrieved 26 Apr, 2010, from <http://www.sage-ereference.com/research/Article_n491.html>.
- Tok, S. Y., Kaplan, I., Taneli, Y. (2010). Photography in architectural education: A tool for assessing social aspects of the built environment. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, (2), 2583-2588.
- Wilson, L.K et al. (2009). Picture and social concept: a fractal-concept analysis of advertising art. *Visual Communication*, (8), 427-448.